

سناتن دهرم

حضرت ميرزا غلام احمد قاديانى
مسيح موعود و امام مهدي عليه الصلوة والسلام

سازمان انتشارات بين المللي اسلام

سناتن دھرم

Persian Translation of
Sanatan Dharam (Urdu)

By: Hazrat Mirza Ghulam Ahmad,
The Promised Messiah and Mahdi, *peace be upon him*

First Urdu Edition: Qadian, 1903
Present Persian Translation: UK, 2018

© Islam International Publications Ltd.

Published by:
Islam International Publications Limited
Unit 3, Bourne Mill Business Park
Guildford Road
Farnham, Surrey GU9 9PS
United Kingdom

Printed in UK at:
Raqeem Press
Farnham, Surrey, GU9 9PS

For further information, please visit:
www.alislam.org

ISBN: 978 1 84880 172 1

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معرفی کوتاه مؤلف

حضرت میرزا غلام احمد قادیانی امام مهدی و مسیح موعود علیه السلام در ۲۳ بهمن سال ۱۲۱۳ هجری شمسی برابر با فوریه ۱۸۳۵ میلادی در روستایی به نام قادیان، استان پنجاب در کشور هند به دنیا آمدند. ایشان از کودکی، به عبادت و ذکر الهی علاقه خاصی داشته و بیشتر اوقات خود را صرف تلاوت قرآن کریم و مطالعه آثار مذاهب دیگر می‌کردند. هنگامی که به سن بلوغ رسیدند، می‌دیدند که اسلام از هر سو مورد حمله قرار گرفته و بخت و اقبال مسلمانان در حال زوال است، ایشان مسؤولیت دفاع از اسلام و آشکار ساختن زیبایی دین متین اسلام را به عهده گرفتند. در آثار، سخنرانی‌ها و مباحثات خویش، با براهین قاطع و ساطع به اثبات رساندند که اسلام، تنها دینی است که انسان را به خداوند متعال پیوند می‌دهد. حضرت میرزا غلام احمد قادیانی علیه السلام ادعا فرمودند که حضرت عیسی علیه السلام به نص قرآن کریم وفات یافته و خود همان مسیح موعود و امام مهدی هستند که مسیحیان و مسلمانان منتظر او هستند. ایشان همچنین اعلام فرمودند که تمام پیشگویی‌هایی که در کتاب‌های مقدس مذاهب عالم راجع به ظهور "امام مهدی" ثبت است، در وجودشان تحقق یافته است. در سال ۱۸۸۹م ایشان جماعتی به نام "جماعت اسلامی احمدیه" تاسیس کردند. حضرت میرزا غلام احمد علیه السلام به وضوح بیان فرمودند که طبق پیشگویی‌های سرور کائنات و خاتم انبیاء صلی الله علیه و سلم، پیامشان با صلح و آشتی گسترش خواهد یافت و اعلام فرمودند که در

این زمان، جهاد شمشیر نامشروع است. در واکنش به پیام محبتشان، از جانب همه ادیان و فرق، پرخاشگری ها و خشونت هایی بلند شد و این رویه تعصب و پرخاشگری هنوز هم ادامه دارد. در سال ۱۹۰۸م، حدود یک میلیون پیرو را سوگوار گذاشتند. از آن زمان تاکنون مأموریتشان توسط جانشینانشان انجام می گیرد. امروز ” جماعت احمدیه “ در دویست و نو کشور به رهبری سیدنا حضرت میرزا مسرور احمد پنجمین خلیفه امام مهدی و مسیح موعود ایده الله تعالی بنصره العزیز مستقر است.

تشکر و قدردانی

اینجانب از آقای عطاء الکریم منظور که توفیق ترجمه این کتاب را یافتند تشکر می‌کنم و همچنین از آقای سلطان احمد قمر و آقای خالد اسد ورک سپاسگزاری می‌نمایم که در ویرایش این کتاب نقش خیلی مهمی را ایفا نمودند. آقای سید تنویر مجتبیٰ نیز شایان تشکر ویژه‌ای هستند که این کتاب را به نحو احسن برای چاپ آماده کردند.
جزاهم الله احسن الجزا

خاکسار

جمیل الرحمان رفیق

وکیل التصنیف

تحریک جدید ربوه

۳۰ فوریه ۲۰۱۸ میلادی

تصویر روی چاپ اول

ٹائٹل بار اول

چونکہ اس رسالہ میں انصاف کی رو سے کسی قدر

سناٹن و حسد کی مدد ہے اس لئے

اس کا نام

سناٹن و حسد

رکھا گیا

تصنیف الطیف حضرت مسیح موعود و مہدی مسعود امام وقت
علیہ السلام میرزا غلام احمد صاحب قادیانی سلمہ اللہ علیہ

۸ رپوں پر ۱۹۰۳ء

مطبع ضیاء الاسلام قادیان دارالامان بین الہتام حافظ
حکیم فضل الدین صاحب کے چھپکرائے ہوئے

بار اول

تعداد اشاعت ۲۰۰۰

ترجمه اولین صفحهٔ چاپ اول

چون در این کتاب از روی انصاف به سناتن دهرم کمکی داده شد بدین سبب نام این

سناتن دهرم

نهاده شد

تصنیف لطیف حضرت مسیح موعود و مهدی مسعود
امام الوقت علیه السلام میرزا غلام احمد قادیانی
سلمه الله الرحمان

۸ مارس ۱۹۰۳ میلادی

در مطبع ضیاء الاسلام قادیان دارالامان به اهتمام حافظ
حکیم فضل الدین چاپ شده، منتشر گشت.

بار اول

تعداد اشاعت: ۲۰۰۰

غزل از مؤلف

ای مردمانِ آریا! گرفتار عذاب نشوید
ای دوستان چرا دچار خیال فاسد شده اید
ای قوم و ملتِ آریا! چه شده به دلت
آیا بیدار هستی یا این سخن در حالتِ خواب می رانی
آیا آن خدای (واحد) که هست، خدای روان تو نیست
این طرز پاسخ شما بوی ایمان نمی دهد
اگر او روحِ عاشقان نیافریده است
پس چرا (این روح) برای غیر در حالتِ اضطراب است
اگر او بیگانه است طوری که هزگز ترا لمس نکرده است
پس چه کسی او را در کتاب دل حک کرده است
این سوزی که به خاطر وی در دلِ عاشقان ایجاد شده است
اینقدر سوز، حتی ما در کباب ندیده ایم
کسی که مرده است او را جامِ وصالِ می بخشد
و در این کار بین پیر و جوان هیچ فرقی نمی گذارد
او یار آنکس میباشد که خود را مانند خاک فروتن می کند
ولی قیل و قال ظاهری هیچ دردی به او نمی خورد
او دوست کسی شود که دوستی وی را می گزیند
هر که او را انتخاب کرده است در بر اوست
برو گلها را ببین، این طراوت از اوست
در ماه و آفتاب هم نور وی می درخشد

در چهره های خوبان هم نورِ او جلوه گر است
حسن چه است فقط همان که در حجاب در حالِ درخشش است
هر تارِ زلف به او دستِ خود دراز می کند
و به سببِ جدای از وی او همیشه در اضطراب می باشد
ببینید هر چشمِ مست نشانگرِ او است
و هر دلی به سببِ عشقِ وی در حالتِ التهاب است
آن بی خرادان که به کارهای او یقین ندارند
گویی بیهوده در سراب، آب را تلاش می کنند
از قدرت آن قدیر انکار می ورزند
عربده کشان سخن می گویند، همانند آنکس که غرق در شراب است
این آرزو ندارند که آن ذاتِ پاک را مشاهده کنند
بلکه از قوم می ترسند که مبادا مورد سرزنش قرار دهند
ای عزیز! به ما جمالِ خود نشان بده
تا کی این چهره در حجاب و نقاب می ماند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
نَحْمَدُهُ وَنُصَلِّيْ عَلٰی رَسُوْلِهِ الْكَرِیْمِ

نیوگ

هرچند من در کتاب "نسیم دعوت" در مورد نیوگ^۱ تا آنجاییکه مناسب بود، تا حدودی بیان کرده ام. و می دانم که آن بیانات برای یک طالب حق بسیار مفید و کافی می باشد. اما من از برخی افراد شنیده ام که پس از رسیدن کتاب "نسیم دعوت" من در گردهمایی آریا سماج در قادیان، آقای پندت رام بهجدهت، رئیس مجمع مذهبی آریا پنجاب، در سخنرانی نهایی خود، از من یاد کرده و فرموده بود که اگر ایشان در این مورد با من به گفتگو می پرداخت، من هر آنچه فواید از انجام نیوگ بدست می آیند را برای وی روشن می کردم.

لذا متواضعانه عرض می کنم تا آنجا که غیرت انسانی و وجدان مطهر انسانی اقتضا می کند، با نیت خیرخواهانه در کتاب "نسیم دعوت" خود بیان کرده ام. قصد من از این امر، هیچ گونه بحث و جدل نبوده بلکه

^۱ نیوگ: یک سنت مذهبی از فرقه آریا سماج- فرقه ای از فرق هند- است که در آن یک زن متاهل بخاطر فرزند پسر با مرد اجنبی همبستر می شود حال آنکه شوهرش در حیات قید می باشد [مترجم]

فقط نصیحتی بود از باب دلسوزی. و من در این قضیه تنها نیستم بلکه هزاران هندو نجیب و هزاران سیک از پیروان دین نجیب خالصه، این عقیده را هرگز جایز نمی دانند که یک زن شوهردار و خانواده دار تنها به حرص حصول اولاد، توسط فرد دیگری رو سیاه گردد، حال آنکه همسرش در قید حیات باشد.

تا آنجا که به محاسن نیوگ مربوط می شود و به گمان غالب مقصود آقای پندت از محاسن نیوگ، فرزندان هستند که در نتیجه نیوگ متولد می شوند؛ یعنی مجاناً یازده فرزند پسر متولد می شوند و بدین صورت به تعداد فرزندان اضافه می گردد. اما آقای پندت اگر ناراحت نشوند، ایشان بدانند که چنین اولادی برای انسان شریف لکه ننگ است، نه اینکه باعث افتخار باشد. به نظر من یک زن پاکدامن اگر در تمام حیات خود نازا بماند، مرگ وی در حال نازایی بهتر از این است که فرزندان را با همبستر شدن با فرد بیگانه متولد کند که از لحاظ عقلانی این فرزندان نا مشروع خوانده شوند. و اگر راستگویی را مورد لحاظ قرار دهیم، آنگاه به چه علت آن کودکان، فرزندان آن دیوث بد بخت، شناخته شوند در حالیکه از نطفه وی نیستند، بلکه آنان، فرزندان افرادی می باشند که از نطفه آنان متولد شده اند. ای کاش! چنین زنی قبل از حصول اولاد بمیرد، این برای وی به مراتب بهتر است. آقای پندت رام بهجدهت نباید در برابر این مسئله شرم آور یعنی نیوگ - لجاجت به خرج بدهد بلکه چون که این مسئله بر خلاف عفت انسانی است بنابراین شایسته است این مسئله از قوانین مذهب آریا سماج محو شود. و اعلامیه عمومی منتشر گردد مبنی بر اینکه پندت دیانند به دلیل گذراندن زندگی مجردی و نداشتن آن احساس غیرت که در نتیجه عیالمند بودن به هر مرد نجیبی

نسبت به زن خود دست می دهد، شدیداً در اشتباه بوده است. بنابراین فرقه آریا سماج این مسئله را از کلیات دین خود خارج می کند و امضاء افراد زیادی بر آن اعلامیه ثبت گردد تا در آینده هیچ معترضی مجال ایراد گرفتن نداشته باشد و گرنه بخاطر داشته باشید، عقیده نیوگ برای مسلک آنها یک عارضه است و من نمی توانم باور کنم که زنان عقیفه برای انجام نیوگ اعلام آمادگی خواهند کرد بلکه بیم از آن دارم که مبادا زنی بخاطر اصرار برای این کار با خوردن سم جان خود را از دست بدهد.^۲ ای حضرات! صرف نظر از آنچه در گذشته بوقوع پیوسته. زود این آفت را از طایفه خود دور کنید و بی دلیل آن را به ودا^۳ نسبت ندهید. توقع نداشته باشید که پیروان نجیب آریا ورت اعم از زن و مرد این شیوه را خواهند پذیرفت بلکه برداشت من این است که رسم متبنی در دین هندو به واسطه نیوگ بوجود آمده است. یعنی وقتی مردان و زنان عقیفه مشاهده کردند که این رسم ناپاک است آنگاه رسم متبنی را رایج ساختند. شرافت مردان نپذیرفت که زنانشان این سنت شرم آور یعنی نیوگ را دنبال کنند. بنابراین شایسته دانستند که پسر خواندگی را بپذیرند. گرچه رسم متبنی نیز یک عمل تصنعی است اما از این بی

^۲ زنان آریه سماج تا بحال آنچنان رابطه صادقانه ای با همسران خود داشته اند که برای آنها ستی [سوزاندن زن با جسد شوهر. مترجم] می شوند اما چگونه زنی در حالی که شوهر او موجود است و وی با افراد بیگانه همبستر می شود چنین محبتی با شوهر خود داشته باشد.

^۳ وداها: (سانسکریت) کهن ترین کتابهای مقدس آریاییان و قدیمی ترین نوشته به زبان هندی است که تاریخ نگارش آنها را در دوره ای بین سالهای ۱۷۵۰ و ۶۰۰ قبل از میلاد می دانند [مترجم]

حیایی و رسم ناپاک هزار مرتبه بهتر است. نیوگ به اندازه ای طریق ناپاکی است که اگر از یک فرد پست و زبون جامعه خواسته شود که زن وی این عمل را انجام دهد، او نیز حاضر به کشت و کشتار خواهد شد. پس ما چرا بر حال پیروان مذهب آریا تأسف نخوریم که نظرات آقای دیانند را چشم بسته قبول کردند. بالاخره پیروان مذهب سناتن نیز از لحاظ قومی برادران آنها بودند. مگر آنها از زمانهای قدیم وداها را مطالعه نمی کردند، پس چرا آنها این روش بی شرمانه را نمی پسندند؟ مایه تأسف این است که وقتی از روی خیرخواهی، به پیروان آریا سماج توصیه شود که این سنت را ترک کرده و زنان خود را وادار به این کار نکنند، بالعکس آنها خشمگین می شوند. وضعیت اهل آریا سماج عجیب است که از این کار شرم آور اصلاً هم خجالت نمی کشند. در ایام گذشته من عده ای از افراد آریا سماج را به منزل خود دعوت کردم. یکی از آنها بنام "آریا کشن سینگ" بود که پس از ترک پیروی باوا نانک صاحب حال به مذهب آریا گرویده است. و با رها کردن شخصی که در وجود خود پارسایی و طهارت داشته و قلبش مملو از محبت خدای خود بوده، اکنون مدام به مدح سرایی پندت دیانند می پردازد. همراه او لالا شرمپت و لالا ملاوامل اهل قادیان نیز بودند و پندت^۴ سوم راج دبیر آریا سماج قادیان نیز بود. و عده ای از هندوهایی پیروان مذهب سناتن در آن موقع حضور داشتند. در آن مجلس ما بسیار به آنها تفهیم کردیم که خواست انجام چنین عملی از زنان خود شایسته نیست. علی الخصوص در این روستا. در آن هنگام همگی سکوت کردند و دچار شرمندگی شدند اما پندت سوم راج اظهار داشت که هیچ اشکالی در این کار وجود ندارد. در

^۴ پندت: پیشوای مذهبی هندوها [مترجم]

آن هنگام بود که پیروان مذهب سناتن که در آنجا حاضر بودند با شنیدن این سخن و اینکه که این شخص در یک مجلس چنین عمل ناپاکی را نسبت به زن خود جایز دانسته و هیچ به شرم و حیا توجه نکرده، همگی بی اختیار به گفتن "رام رام" پرداختند و در همین حال بقیه حضرات آریا با پوشاندن صورت خود در ردهای خود، خندیدند. به گمان غالب در آن موقع نزدیک به ۳۰ نفر شاهد این ماجرا بودند، زمانی که پندت این کلمه شرم آور را به زبان آورد.

جای بسی تاسف است که حضرات آریا این سنت را ترک نمی کنند، بلکه در واکنش با جوشش می گویند مگر مسلمانان صیغه نمی کنند یعنی زنان عقد کرده را طلاق نمی دهند. بارها به آنها توضیح داده شد که آقایان گرامی! طلاق دادن که در زمان مقتضی در تمام جهان متداول است کجا و اینکه یک مرد حی و حاضر بواسطه زن خود این عمل را انجام دهد کجا؛ اما اینها درک نمی کنند. پیروان مذهب سناتن که آدمهای با حیا و با غیرتی هستند از احساس ندامت دارند می میرند. با وجود اینکه این گناه از آن پیروان آریا می باشد اما افراد مذهب سناتن دارند احساس ندامت می کنند. بارها به آنها گفته شد که اگر یک انسان عقد کرده و پس از سپری شدن مدتی زن را طلاق می دهد و یا زمان طلاق را تعیین می کند یعنی بعد از گذشت این مدت طلاق خواهم داد و برخی از شیعیان آن را "متعّه" می نامند، باید دانست چنین عقدی هیچ نسبتی با طریق شماها ندارد و چنین عقدی که در آن زمان طلاق تعیین گردیده باشد نیز در دین ما ممنوع است، قرآن کریم صراحتاً از آن ممانعت می فرماید. قبل از اسلام در بین اعراب چنین ازدواج های تا یک زمانی صورت می پذیرفت، اما قرآن آن را قدغن کرد و بعد از نزول

قرآن این نوع عقد های موقت حرام شد؛ صرفاً برخی از فرقه های شیعه پایبند به این عمل هستند اما آنان گرفتار رسم زمان جاهلیت هستند. برای یک خردمند شایسته نیست که به خاطر سرپوش نهادن بر خطای خود، خطای فرد دیگری را مطرح کنند. آیا یک مجرم می تواند با عطف به مجرمی دیگر نجات یابد؟ در کلام الله به صراحت در مورد نکاح راهنمایی موجود است و در آن ذکری از چنین عقدی نشده است که در آن اعلام می گردد پس از گذشت یک مدت معین طلاق خواهم داد. جز آنکه در این وضعیت، مورد اصلی اعتراض 'طلاق' می باشد و هیچ طایفه ای در جهان نیست که مخالف طلاق باشد چون بعضی اوقات بنا بر نیازهای، طلاق دادن ناگزیر می شود. الغرض وقتی حضرات آریا از چنین عمل شرم آور منع می گردند آنگاه با سرافکندگی همین پاسخ را می دهند که در میان مسلمانان هم رسم طلاق متداول است. آقایان! کدامین دین است که در آن این رسم موجود نباشد؟ زمانیکه بین مرد و زن، اختلافات شدید باشد آنگاه بجز طلاق چه چاره دیگری وجود خواهد داشت؟ شایسته است که شما حضرات چنین سخنان را به زبان نیاورید و رسم نیوگ را ترک کنید. با این سخنان که در رسم نیوگ مزایای زیادی پنهان می باشد، چه ثمره ای بدست می آید. آقایان! لااقل در ایام شیوع بیماری طاعون از این رسم دست بکشید، مبادا در نتیجه چنین اعمالی، این بلا گسترش یابد. متأسفانه باوجود این رسم نیوگ که به بخاطر آن می بایستی شرمسار می شدند، ناسزاگویی در حضرات آریا افزایش یافته است. برخی آقایان باشرف آریا در هنگام برگزاری این گردهمایی در قادیان، با من ملاقات کرده و خود به این امر اذعان داشته اند که در این گردهمایی ناسزاگویی بیش از حد بکار گرفته شده است؛

بویژه در مورد یک شخص اکثر آقایان آریا بیان کردند که وی تندخو و بد دهن بود.

پس استحضار داشته که "مذهب" بدین معنا نیست که بدون تأمل ایراد گرفته شود و اینکه با تمسخر و نقد جاهلانه به اجلاس رونق داده شود و مانند دغلبازها خنده کردن، با چنین رویکردی هیچ مذهبی نمی تواند پابرجا بماند. برای انسانهای پارسا روش بهتر این است که از اصول منتشر یافته فرقه ای ایراد بگیرند اما تا زمانی که ادراک کامل و آگاهی از تمام دلایل حاصل نشود به کتاب آسمانی یک ملت ایراد نگیرند. به عنوان مثال مسئله نیوگ را را داریم، بی تردید با وجود در قید حیات بودن شوهر، همبستر شدن همسر وی با فرد دیگری و نه یک بار یا دو بار بلکه تا دوازده سیزده سال تا آنکه یازده بچه متولد شوند، وجدان انسانی این بی حیایی را نمی پذیرد و فطرت نیک از آن دوری می جست. و در واقع هیچ بی حیایی بیش از این نیست و هیچ آدم با حیا این را نمی پسندد که در حیات خود این حالت‌های زن خود را مشاهده کند. اما جماعت ما که بخاطر تقوا تاسیس شده است، افراد آن به خاطر بسپارند و فکر نکنند که این آموزه اصلی ودا است. به اعتقاد من این تعلیم، هرگز آموزه ودا نیست. من به خوبی آگاه هستم که گاهی ممکن است یک آیه دارای بیست معانی باشد بنابراین در این جور مواقع، یک فرد پلید معانی پلید را بر می‌گزیند و یک فرد پارسا معانی پاکیزه را بر می‌گزیند. برخی افراد نیز هستند که بخاطر اغراض نفسانی، خواهان گسترش سوء رفتاری و هرزگی در جامعه هستند. بنابراین آنان جهت

بهانه جویی، شُرتی^۵ یا آیه ای را از کتابی که ملّت آن را آسمانی قلمداد می کند ارائه می دهند و با این روش، افراد نادان را به هلاکت می رسانند. لذا اعضای جماعت ما می بایستی از این نوع اعمال دست بردار بمانند چون این رفتارها برخلاف دوراندیشی و پرهیزگاری می باشد. ایراد گرفتن و ارائه دادن آن آموزه های مشترک که کم و بیش در میان تمام اقوام یافت می شود نوعی جهل و یا تعصب است که حضرات آریا آن را ابراز می دارند. به عنوان مثال، زن گرفتن و در صورت لزوم طلاق دادن و یا امورات دیگری که در میان تمام مذاهب مشترک هستند، وارد کردن ایراد به این امور کار آدم نجیب نمی باشد چون که همگی این امور در تمام اقوام یافت می شوند. در واقع دو امر سزاوار اعتراض می باشند. اول اینکه ارواح و اجسام یعنی 'جیو' و 'پرمانو' از سوی خداوند متعال نیستند یعنی مخلوق خداوند نمی باشند بلکه مانند خداوند، خدای وجود هستند و ازلی و ابدی هستند. امر دوم این طریق شرم آور که نام آن "نیوگ" است می باشد. پس این ایراد نه بر ودا، بلکه بر پندت دیانند وارد می شود که چنین عقیده ای را اشاعه داده است. جماعت ما هوشیار باشد که بی جهت حرفی فراتر از دوراندیشی بر زبان نیاورد. این درست است که در میان پیروان آریا سماج افراد تند گو زیاد هستند که در حین انتقاد این را هم در نظر نمی گیرند که ما نسبت به موارد انتقاد تا چه میزان آشنایی داریم، بلکه بدون تفکر سخن گزاف را بر زبان می رانند و هدف اصلی از انتقاد فقط ریشخند است نه جستجوی حق. برخی کتاب خدا را سرسری خوانده و بی درنگ بدون بهره گیری از درک کامل بر آن

^۵ واژه زبان سنسکرت به معنی "آیه" [مترجم]

اعتراض می کنند. در کلام خدا در بعضی مواضع ها، کلام استعاره به کار برده می شود و گاهی از صنعت مجازی استفاده می شود و در برخی مواضع، مطلوب اظهار حقیقت می باشد. پس تا زمانی که شناخت کامل و طهارتِ دل نباشد، وارد کردن اعتراض جهل به حساب می آید. کسانی معنای واقعی کلام خدا را درک می کنند که با خدا پیوستگی دارند. یک فردی که سر تا پا غرق در پلیدی های دنیا بوده و چشمانش کور و دلش ناپاک است، آن فرد چگونه می تواند از کلام خدا ایراد بگیرد؟ اول می بایست قلب خود را مطهر کرده، خود را از احساسات نفسانی منزّه ساخته و آنگهی بر کلام خدا اعتراض کند. به عنوان مثال در قرآن کریم آمده است:

مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ ۖ

یعنی کسی که در این جهان نابینا بوده در جهان دیگر هم نابینا خواهد بود. اکنون معترضی که منظور کلام خدا را نمی داند این اعتراض را خواهد کرد که: ببینید! در دین مسلمانان نوشته شده است که کوران نجات نخواهند یافت. تقصیر بیچاره کور چیست؟ اما کسی که بدور از عناد و تعصب قرآن کریم را با تدبّر مطالعه می کند، درک خواهد کرد که اینجا منظور کوری چشم نیست، بلکه کوری دل است. مراد این است که کسانی که در این دنیا از وصال با خداوند متعال محروم هستند، در آخرت هم از دیدارش محروم خواهند ماند. به همین منوال صدها استعاره و مجاز در کلام خدا یافت می شوند. یک آدم با احساسات نفسانی بی درنگ تمام موارد را مورد اعتراض قرار خواهد داد. با سوگند به خدای

۶ بنی اسرائیل ۱۸: ۷۳

تعالی می گویم که واقعیت همین است که جهت فهم و ادراک کلام خدا، اول باید دل از هیجانان نفسانی پاک گردانده شود و پس از آن است که نور از جانب خداوند بر قلب فرود خواهد آمد. بدون نور درونی انسان، حقیقت واقعی دیده نمی شود. چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

لَا يَسْتَهْزِءُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ٧

یعنی این کلام متعلق به یک هستی پاک است. مادامی که کسی مطهر نباشد نمی تواند بر اسرار آن آگاهی یابد. من جوان بودم و اکنون پیر شده ام و مردم اگر بخواهند می توانند شهادت دهند که هیچ علاقه ای به امور دنیایی نداشتیم و محور علاقه مندی من همیشه امور دینی بوده است. من این کلام را که نامش قرآن است، بی نهایت پر از حکمت معنوی و مطهر یافته ام. این کلام، نه انسانی را خدا قرار می دهد و نه با خارج ساختن ارواح و اجسام از آفرینش آن، او را نکوهش می کند و آن برکتی که بخاطر آن انسان دین را قبول می کند، سرانجام آن را بر قلب انسان وارد می کند و وی را صاحب افضال خداوندی می کند. پس چگونه ما بعد از دستیابی به نور، دوباره در تاریکی گمراه شویم و با وجود داشتن بینایی، خود را نابینا گردانیم.

در اینجا صرفاً به سبب حمایت از راستگویی که وظیفه من است، باید اضافه کنم که به غیر از برخی اصول مذهب سناتن، پیروان آن هزاران درجه از آریا سماج ها بهتر هستند. آن ها به این صورت به خدای خود اهانت نمی کنند که ما به دلیل ازلی و غیر مخلوق بودن با خدا یکسان

٧ جز پاکان نمی توانند به آن دست یابند . الواقعة ٥٦: ٨٠ [مترجم]

هستیم، آنان مسئله شرم آور نیوگ را قبول ندارند. آنان اعتراض ناحق بر اسلام نمی کنند چون که آنان می دانند که آموزه های اسلام در میان تمام ملت ها مشترک هستند. اکثریت آنان خوش برخورد هستند و تمسخر و تندروی مهلک در آن ها وجود ندارد و متقابلاً آقایان آریا به تصور این که ما بت ها را نمی پرستیم و اوتارها را قبول نداریم، نباید خودستایی کنند چون که جوگی های^۸ طایفه سناتن که به مراتب اعلی مذهب خود رسیده اند از پرستش بت ها خودداری می کنند. تا آنجائیکه به « اوتار» مربوط می شود، در واقع در زبان سنسکرت، به انبیاء و رسولان اوتار گفته می شود که نورِ پرمیشر بر آنان نزول می کند. پس آموزه اصلی از سناتن دهرم این نیست که اوتار پرستش شوند. آری! این درست است که آنها اوتار را مقدس می شمارند و به آنها تعظیم می کنند و به آنها محبت می ورزند^۹. اما من در برخی مجلات و روزنامه های آریا سماج دیده ام که بعضی از اعضاء شوخ دیده آنها، اوتار را مسخره

۸ یوگا (جوگ) به معنی انضباط فکری است و در مفاهیم متعددی استفاده می شود مثل تمرکز فکر، مکاشفه، اتحاد روح با ماده، استغراق، اتصال و هر عملی که موجب انضباط فکری شود. کلمه یوگ از فعل یوج مشتق شده است و به معنی بستن و مهار کردن حیوان سرکش است. [مترجم]

۹ محبت کردن به انسانهای صالح وظیفه انسان با ایمان می باشد و به این نحو شرط لازم داشتن وقار بی آلاچی می شود. پیروان سناتن دهرم نه تنها عاشق اوتار گذشته هستند بلکه آنها منتظر یک اوتار نهایی نیز هستند که در دوره آخرالزمان جهان را از گناه پاک خواهد کرد. جای تعجب نیست که در آینده با مشاهده نشانه های خدایی، سعادت مندان سناتن دهرم این نهضت آسمانی را قبول کنند زیرا که لجاجت و خیره سری در آنها بی نهایت کم است.

کرده و کلمات بی ادبانه بکار برده اند. این حرکت کار انسانهای شریف نیست. در حقیقت در بین برخی از آقایان آریا تمسخر از حد تجاوز کرده است. همین تمسخر دلالت بر این دارد که این، آن گیاهی است ریشه ندارد. این ملت متوجه معنویات نیست. با تمسخر و چرب زبانی دین بدست نمی آید. دین خواهان نوعی فنا است که پس از آن، حیات جاودانه ای عطا می شود. افسوس که برخی از اعضای تندخو آریا سماج که هیچ اشرافی به امور دین ندارند، در گردهمایی قادیان همچون تقلیدگر، به دین اسلام فحاشی کردند.^{۱۰} اگر در این کار نیت آنها پاک می بود، به من می نوشتند که ما فلان اعتراض را بر دین اسلام داریم. پس اگرچه من نمی توانستم در این چنین مجالسی حضور یابم تا جواب آنها را با نرمی و سخنانی واضح و روشن می دادم و آنها را متقاعد می کردم، اما اکنون آنها همانطور که به قادیان آمده بودند با همان حال از قادیان برگشتند و گوله باری از سب و شتم و بدگویی را با خود بردند. اما با این حال من با تالیف کتاب ”نسیم دعوت“ در ظرف چند روز، از آنها دعوت کردم. اگر حتی یکی از آنها متوجه شود، اجرش به من ارزانی خواهد شد.

^{۱۰} آریاها نه فقط نسبت به اسلام بدزبانی کردند بلکه به اصول مسلم سناتن دهرم هم توهین نموده و به احساساتشان آسیب رسانده اند. به همین منوال طبق عادت خویش، حمله نامشروعی به مذهب مسیحیت روا داشتند. و همین یعنی از حد گذشتن هنگام حمله را ”عادت شیطانی“ می گویند. این درست است که حضرت عیسی علیه السلام خدا نیستند اما ایشان برگزیده خدا و رسولش بودند و این هم درست است که راجه رام چندر و راجه کرشن درواقع پرمیشر نبودند اما در این مسئله هم هیچ تردیدی نیست که هر دو برگزیده خدا و اوتار بودند. خدا بر آنها متجلی می شد بنابراین به آنها ”اوتار“ گفته می شود.

ضمیمه کتاب

من در کتاب-نسیم دعوت- ارایه داده ام که هر مذهب را از سه طریق می توان شناخت:

اول: آن مذهب، راجع به خدا چگونه سخن رانده است. افسوس که با توجه به عقاید آریا سماج، خدا خالق همه چیز نیست؛ بلکه هر چیز، ازلی و ابدی و غیرمخلوق است مانند پرمیش و اعتقاد دارند که پرمیش نه خالق آنهاست و نه خالق قدرت هایشان. بدیهی است که پرمیش نزد آریا سماج در واقع پرمیش حقیقی نیست وگرنه می بایست خلقت سایر موجودات از پرمیش آغاز می شد. چه شده است که به عنوان پرمیش خوانده می شود ولی حقیقت حال این باشد که سایر موجودات غیرمخلوق و ازلی باشند. چگونه چیزی که خالقش پرمیش نباشد، مال پرمیش پنداشته شود؟ آیا کسی از اعضای آریا سماج می تواند درباره این غصب نامشروع توضیح دهد؟ چگونه پرمیش می تواند حاکمیتش را بر چیزهایی که خالقشان نیست، روا بدارد؟ پس اگر آریا سماج سناتن دهرم را متهم به بت پرستی می کند، با توجه به عقیده ای که خود حمل می کنند، اتهام بزرگی بر آنها وارد می شود؛ زیرا که [بر خلاف آریاها] بت پرستان خدایان خود را برابر با خدای حقیقی قرار نمی دهند و گمان ازلی و ابدی نسبت به آنها ندارند. تنها اعتقاد دارند که با هدف تحقق خواسته های مردم، قدرت های والاتری از جانب خدای حقیقی به خدایانشان ارزانی شده است. اگرچه کلیه این اعتقادات نادرست است. درحقیقت، تنها خدای یگانه است که خواسته های انسانی را محقق می سازد که آن را "پرمیش" می گوئیم. در دنیا و آخرت شرف و برکت نصیب آن کسی

می شود که همه را رها کرده، فرمانبردار خدایش می شود و هر آن این صدا را از پرمیشر می شنود که:

जे तूमिराहुरहे सबेग तिराहो^{११}

این را آزمایش کردیم و ما شاهد این حقیقت هستیم. کسی که در محبت خدا محو می شود پس از سوختن در عشقش، وجود تازه ای دریافت می کند سپس با توجه به ورود به ساحت این عشق، تمام عناصر و موجودات زمینی که آنها را پرستش کرده می شود، خادم و نوکرش می شوند. بر این اساس، این خطای اهل سناتن است که جهت برآورده شدن خواسته هایشان، از عناصر فانی کمک می طلبند و از آن خدای زنده و نور تابانی که هستی اش دور نبوده بلکه نورش در مقایسه با بت ها بسیار بسیار نزدیک است، استفاده نمی کنند. اگرچه باور دارند که همه چیز ناشی از اوست و بدون وی وجود هیچ چیزی خود بخودی نیست. به نظر می رسد همین آموزه ودا است که تا بحال اهل سناتن آن را فراموش نکرده اند. بعد از خواندن سرودهای رشی ها^{۱۲} که عرفان را بعد از تحمل سختی و ریاضت سخت در جنگل کسب کردند، به نظر می رسد که حقیقت اصلی از ودا بر آنان کشف شده بود. بنابراین آنان مانند آریا سماج جیو و پرمانو (ارواح و اجسام) را ازلی و ابدی و غیرمخلوق نمی پذیرند. مانندیکه از تحریراتشان هویداست که آنان این اعتقاد را داشتند که هر چیزی ناشی از پرمیشر است یعنی کلمات وی هستند و اسلام نیز همین آموزه را یاد می دهد.

^{۱۱} اگر تو با من پیوند محکمی داری، تمام جهان مال تو خواهد بود [مترجم]

^{۱۲} رشی بمعنای غیب گو یا پیامبر [مترجم]

سوسیانے اکومت مورکھ آپو آپی^{۱۳}

مذهب اهل سناتن برخلاف آریا سماج مبتنی بر زبان درازی و ایرادگیری نیست بلکه پرمیشر خود را، با مجاهده و پس از ریاضت های سخت در بیابان ها و جنگل ها، با صمیم دل می جستند. آنان با روزه داری، اجسام خود را خشک می کردند و در حالت گوشه نشینی دلپایشان را با خدا پیوند می دادند سپس آن نوری که نامش در زبان های مختلف پرمیشر، گاد (God)، خدا یا الله است بر آنان متجلی می شود. آنان هرگز قائل به این نبودند که وحی و الهام خدا فقط تا ودا محدود و مسدود است و تا قیامت درهای مکالمه و مخاطبه خدا بر ما بسته و مقل است بلکه خدا با آنان سخن می گوید و امور غیبی را بر آنان مکشوف می سازد. همین صداقت است که جستجویان خدا که جان را در راهش می بازند و همه چیز را برای وی قربان می کنند- در واکنش اگر خدا نسبت به آنان غفلت و بی توجهی کند و خود را بر آنان متجلی نسازد و بی سر و صدا پنهان بماند، در این وضعیت آنان زنده در گور می شوند و هیچکس در دنیا مانند آنان بی نصیب و درمانده نخواهد بود که بخاطر پرمیشر، جهان را هم وداع بگویند و از تجلی اش هم محروم بمانند؛ به این معنا که هر دو جهانشان از دست رفت. آیا یک دوست صمیمی می تواند این چنین رفتاری را با دوستش بکند؟ هرگز نه.

^{۱۳} اگر صد مرد دانا باشند آنان بر یک چیز اتفاق نظر خواهند کرد ولی بی خردان بر هیچ

کار متفق نخواهند شد [مترجم]

این ضرب المثل معروفی است که دوستی واقعی تنها بین کسانی وجود دارد که جان خود را برای همدیگر ببازند. یعنی شخصی که در عشق گرفتار شود و معشوق خود را بدون اظهار درد و سوزش، شب و روز به خودش جلب کند، پس از آن است که ناگهان جرقهٔ محبتی که مبتنی بر شهوت نباشد، در دل معشوقی که تا بحال غافل و بی خبر بود، مشتعل می شود سپس آن معشوق هم در سوزش محبت او شرکت می جوید گویا آه و ناله شب و روز عاشق، معشوق را مسحور می کند. در آن هنگام دلش متمایل به عاشق می شود و به دلایل نامعلومی این حقیقت بر دل معشوق می نشیند که این شخص به من عشق می ورزد و نه تنها جرقه ای در دل وجود می آورد که سرانجام خود معشوق هم در عشقش گرفتار می شود و دل به دل می پیوندد گویی یک دل دو قالب می شوند. تعجب آور اینکه گویی عشق عاشق در هزار پرده پنهان باشد و حتماً معشوق از آن عشق آگاه می شود و جهانیان هم مانند جاسوس آن را دنبال می کنند و باخبر می شوند که پیوند صمیمی بین آنها برقرار شده است. اگر محبت در واقع صمیمی و مطهر و بدون پلیدی و شهوت نفسانی باشد، آن محبت هر دو دل را به مرتبه ای می رساند که به یکدیگر جلب می شوند و بدون دیدن یکدیگر، بی آرامی و بی قراری حاصل می شود و اصلاً نمی توان درک کرد که این کشش از کجا و چگونه پیدا شده است. سرانجام حتماً دل‌های مطهرشان خواستار آن می شود که کمی با یکدیگر سخن گویند و نگاهی به یکدیگر اندازند. بخاطر این گفتگو، دلشان می تپد و چه بعد از آن بمیرند. این عاقبت عشق مجازی خوانده می شود که حدّ اعلاّی آن در ”گفتگوی باهمدیگر“ پنهان است.

افسوس بر دینی که صمیمیت و همدلی را بین پریشور و کسانی که به او عشق می‌ورزند و همچون عاشق با معشوق خود هم صحبت می‌شوند، برقرار نمی‌کند. افسوس که این افراد چنین عقیده‌ای ندارند. نمی‌توانیم این دیدگاه را قبول کنیم که ودا خواهان این است که ارتباطی میان بنده و خدایش برقرار نشود. خطای ودا در این معامله نیست بلکه اینان خطا خورده‌اند. به حق می‌گوییم همان مذهبی را می‌توان "مذهب" نامید که بنده را با خدا پیوند دهد و ارتباط هم صحبتی میان آنها برقرار شود چیزی غیر از این را مشابه قرار دادن دست زدن در تپاله‌ای است که بجز پلیدی چیزی از آن بدست نمی‌آید.

معیار دوم که به واسطه آن، یک دین حقیقی را باید سنجید این است که مذهب درست ارتباطی را میان بنده و خدایش استوار می‌سازد و همزمان طهارت را هم میان پیروانش تداول می‌بخشد. ذکر کرده‌ایم که مذهب آریا سماج نه فقط امکان ارتباط الهی را ردّ می‌کند بلکه منکر خالقیتش است و نمونه‌ی طهارت از آموزه‌ی نیوگ هویدا است. خوشا بر شما ای اهل سناتن دهرم! نه تنها این تصویری که ذرات و اجسام خود ساخته هستند، را ردّ کرده‌اید بلکه محکّمات خود را از کثافت نیوگ مصون داشته‌اید.

به حق می‌گوییم اگر پیروان سناتن دهرم ارتباط استواری با خداوند متعال برقرار سازند و مانند جوگی‌های که پریشور را دریافتند و مملو از محبت اش هستند؛ قربش را جویا باشند تا این میزانی که از پرستش بت‌ها دست بکشند سپس در برابر مذهب آریا سماج پیروزی نصیب‌شان خواهد بود. اگر آریاها در مقابل سناتن دهرم بی‌آیند بزودی و حتما راه فرار خواهند جست. این امر تازه‌ای نیست بلکه از قدیم اعتقاد جوگی‌هایی

که در آتش محبت پرمیشر می سوختند نیز این بوده است که بجز پرمیشر چیزی نیست.

معیار سوم برای سنجش مذهب درست، این است که آن مذهب تا چه میزان پیروانش را از پلیدی های دنیا نجات بخشیده و به خدا پیوند داده و آن ذات پاک را نمایان می سازد؟ مذهب آریا در این حوزه کاملاً تهی دست و محروم است بنابراین جز فحش و بد دهنی و تبری جویی چیزی در دستشان نیست. مذهب شان عقیده کفرآمیزی نسبت به پرمیشر دارد و قوم و ملتش هم عاری از تقوی است. از برکاتی که نصیب اولیاء خدا می شود بکلی محروم اند. شنیده ام که پیروان سناتن دهرم از قادیان می خواهند کانفرنسی را تدارک ببینند که در آن ”کاستی های پرمیشر و نیوگ“ یعنی دو اصل از مذهب آریا سماج را بررسی نمایند. به نظرم سزاوار است اعضای سناتن دهرم از شهرهای دیگر باید به آنها کمک کنند و اگر لازم بدانند ما هم با هدف همکاری با آنان، در این کانفرنس مشارکت خواهیم کرد.

والسلام

بنده میرزا غلام احمد قادیانی